

ضد شورش در افغانستان

Counterinsurgency In Afghanistan

ست. جی. جونز

Seth G. Jones

ترجم:

محمد حسینی قربانی زواره



انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

زمستان ۱۳۹۶

سرشناسه	ست. جی. جونز (Seth G. Jones) - م. ۱۹۷۲
عنوان و نام پدیدآور	ضدشورش در افغانستان / ست. جی. جونز، مترجم: محمدحسین قربانی زواره، ویراستار سامان آزاد
مشخصات نشر	تهران: انتشارات دافوس - دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۱۶۸ ص: مصور، جدول
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۶۳-۷۱-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: counterinsurgency in Afghanistan, 2008
یادداشت	کتاب نامه: ص: {۱۵۱} - ۱۶۸.
موضوع	جنگ افغانستان، ۱۳۸۰ - - عملیات تکاوران
موضوع	Commando operations - - 2001, Afghan war
موضوع	عملیات ضد جنگ چریکی - افغانستان
موضوع	Counterinsurgency - - Afghanistan
موضوع	عملیات ضد جنگ چریکی
موضوع	Counterinsurgency
موضوع	افغانستان - - سیاست و حکومت - - ۱۳۸۰ -
موضوع	Afghanistan - - Politics and government - - 2001
شناسه افزوده	قربانی زواره، محمد حسین، ۱۳۶۲ - مترجم
شناسه افزوده	ایران. ارتش. دانشگاه فرماندهی و ستاد. انتشارات دافوس
شناسه افزوده	Iran. Army. Command & Staff College. Dafoos Publisher
رده‌بندی کنگره	DS ۳۷۱ - ۹ - ۱۰۴۷
رده‌بندی دیویی	۱۰۴۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۰۴۴۱

عنوان: ضدشورش در افغانستان

مؤلف: ست. جی. جونز

مترجم: محمدحسین قربانی زواره

ویراستار: سامان آزاد

ناظر چاپ: محمدتقی پرتوی

طرح روی جلد: علیرضا قانع

صفحه آرای: سعید واحدیان

ناشر: انتشارات دافوس

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحه: ۱۶۸ ص

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۹۶

چاپ اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مدیریت انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۰۴۸۶؛ ۰۲۱-۶۶۴۱۴۱۹۱

www.dafoosaja.ac.ir

مسئولیت صحت مطالب بر عهده مؤلفین می‌باشد.

کلیه حقوق برای دافوس آجا محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

۹.....	درباره نویسنده.....
۱۰.....	تقدیر و تشکر.....
۱۱.....	اختصارات.....
۱۲.....	خلاصه از کتاب.....

فصل اول: طرح پژوهش مطالعه و بررسی عملیات ضد شورش..... ۱۷

۱۸.....	تحقیقات انجام شده.....
---------	------------------------

فصل دوم: موفقیت در جنگ ضد شورش..... ۲۳

۲۵.....	تشکست دادن گروه‌های شورشی.....
۲۸.....	تجزیه و تحلیل نیروی بمبی و محلی.....
۳۱.....	نیروهای امنیتی.....
۳۶.....	پشتیبانی خارجی.....
۴۱.....	نتیجه‌گیری.....

فصل سوم: عصر شورشی..... ۴۳

۴۴.....	مقدمه.....
۴۴.....	میراث جنگ.....
۴۵.....	دوره مجاهدین.....
۴۶.....	ظهور طالبان.....
۴۸.....	عملیات آزادی پایدار.....
۴۹.....	بازگشت دوباره طالبان.....
۵۰.....	بررسی اصلی.....
۵۰.....	حکومت.....
۵۱.....	حامی و پشتیبان خارجی.....
۵۲.....	نیروهای امنیتی.....
۵۴.....	نتیجه‌گیری.....

فصل چهارم: شورشیان و شبکه‌های پشتیبانی..... ۵۵

۵۶.....	مقدمه.....
۵۶.....	گروه‌های شورشی.....

۵۸		وادر کردن نیروهای خارجی به عقب‌نشینی
۶۰		حزب اسلامی
۶۱		جنگجویان خارجی
۶۴		قبایل افغانستان و پاکستان
۶۵		گروه‌های جنایت‌کار
۶۶		فعالیت شورشیان
۷۱		پشتیانی خارجی
۷۱		پشتیبانی از سوی کشورهای خارجی
۷۷		پشتیبانی جهادی
۸۲		نتیجه

فصل پنجم: درت و نیروهای امنیتی افغانستان ۸۳

۸۴		مقدمه
۸۵		پلیس ملی افغانستان
۸۹		ارتش ملی افغانستان
۹۲		سایر نیروهای امنیتی افغانستان
۹۴		سازمان امنیت ملی افغانستان
۹۵		حکومت
۹۵		شبه‌نظامیان و جنگ‌سالاران قبیله‌ای
۹۶		تجارت مواد مخدر
۱۰۰		سیستم حقوقی
۱۰۲		نتیجه

فصل ششم: ایالات متحده و نیروهای ائتلاف ۱۰۳

۱۰۴		مقدمه
۱۰۵		ایجاد ظرفیت‌های بومی
۱۰۹		اقدام مستقیم علیه شورشیان
۱۰۹		پاک کردن، نگه‌داشتن و گسترش دادن
۱۱۱		شناسایی و ردیابی مسلحانه
۱۱۲		پشتیبانی هوایی

۱۱۳.....	فرماندهی و کنترل
۱۱۴.....	اطلاعات
۱۱۶.....	عملیات اطلاعاتی
۱۱۹.....	فعالیت با همکاران ائتلاف
۱۲۱.....	اقدامات و فعالیت‌های غیرنظامی
۱۲۴.....	نتیجه‌گیری
۱۲۵.....	فصل هفتم: توصیه‌ها
۱۲۹.....	پلیس
۱۳۱.....	امنیت رری
۱۳۳.....	جنگ زمینی
۱۳۴.....	حمله و تحرک هوایی
۱۴۰.....	فرماندهی و کنترل
۱۴۳.....	عملیات اطلاعاتی
۱۴۴.....	فعالیت غیرنظامیان
۱۵۱.....	REFERENCES

با موفقیت شورشیان و شکست عملیات ضد شورش و افراط‌گرایی همبستگی و ارتباط کامل و دقیقی دارد.

ارتش ایالات متحده همراه با دیگر هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، بیشتر احتمال دارد به واسطه تجهیزات و تسلیحات پیشرفته خود در جنگ مقابله با شورشیان موفق شوند اما نیروهای امنیتی و پلیس محلی توانایی و همچنین مشروعیت بیشتری در این زمینه دارند؛ لیکن هرچه ظرفیت و امکانات دولت محلی بهتر باشد بدون تردید می‌توان نابودی شورشیان را تضمین کرد چراکه حمایت خارجی‌ها از شورشیان قطع می‌شود. دولت مرکزی و نیروهای نظامی وابسته به دولت شانس بیشتری برای مقابله با شورشیان و تروریست‌های مخالف دارند. به گفت «مایکل وبر» "انحصار استفاده قانونی از نیروی فیزیکی در یک قلمرو داده شده است." در بسیاری از موارد مشاهده شده که مداخله مستقیم نیروهای نظامی ایالات متحده نه تنها نتوانسته موفقیتی در مقابل شورشیان کسب کند بلکه موجب تضعیف شدن پایگاه‌های مردمی و همچنین کاهش مشروعیت دولت مرکزی نیز شده است. دولت آمریکا باید زمان بیشتری را صرف مقابله با شورش در این مناطق کند. ارزیابی این تحقیق از ۹۰ شورش شکل گرفته در جهان نشان می‌دهد که به‌طور متوسط چیزی بیش از ۱۴ سال طول خواهد کشید تا بتوان شورشیان را شکست داد یا آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی کرد.

در بررسی شورش‌های افغانستان بی‌صلاحیت بودن دولتی و بی‌کفایتی آن‌ها و همچنین عدم حضور به‌موقع نیروهای امنیتی و نظامی در مواجهه با شورش عوامل بسیار مهمی در شکل‌گیری آن‌ها به شمار می‌رود. این تحلیل نشان می‌دهد که موفقیت دولت افغانستان برای از بین بردن شورش به سه عامل حیاتی بستگی دارد:

۱. توانایی ایالات متحده آمریکا و سایر بازیگران بین‌المللی برای کمک به ایجاد مشروعیت سازنده در نیروهای امنیتی افغانستان به‌ویژه پلیس این کشور که در مرحله اولیه در مبارزه با تروریسم و شورش قرار دارند. بررسی‌های ویژه و همچنین سفرهای پژوهشی به مراکز آموزشی افغانستان و مصاحبه با افسران پلیس در این زمینه نشان داده که پلیس ملی افغانستان دچار فساد بسیار عظیمی شده و از سوی دیگر وابستگی بسیاری نیز به سران و رهبران قبایل محلی برای دریافت تجهیزات و پول دارد. درواقع پلیس افغانستان به‌جای تبعیت پذیری از دولت افغانستان توجه بسیار کمتری به آن دارد و از سوی دیگر اولویت بعدی دولت در مقابله با شورش نیز می‌باشد. این یک اشتباه اساسی در سازمان پلیس بود.

پلیس به دلیل حضور موثر در روستاها و مناطق محلی می‌تواند یک بازوی سازنده و عالی برای دولت در یک ضد شورش محسوب شود. ارتش ایالات متحده تغییرات قابل توجهی در برنامه آموزشی پلیس در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ایجاد کرد تا بتواند پایداری و اصلاحات ویژه‌ای را در این سازمان به وجود آورد. بر اساس آموزش‌های بسیار کم پلیس طالبان توانست در افغانستان جولان دهد. بی‌تردید اصلاحات سازمانی و همچنین آموزش یگان‌های پلیس و نیروهای نظامی در افغانستان حداقل زمانی بیش از یک دهه به طول خواهد انجامید.

۲. در اردن؛ ایالات متحده و دیگر بازیگران بین‌المللی باید حضور بسیار فعال در تغییر و بهبود حکومت محلی در افغانستان و همچنین تغییر ساختار بومی و محلی در مناطق روستایی داشته باشند. حقیقت میدانی در شرق و جنوب شرق کشور نشان می‌دهد که توسعه و بازسازی به دلیل عدم امنیت پایدار انجام نگرفته است و بیشتر بافت روستایی در این مناطق حاکم است. حتی تیم‌های بازسازی ولایت‌ها؛ که به‌طور خاص مأمور کمک به پروژه‌های توسعه و بازسازی روستا هستند به دلیل عدم امنیت پایدار قادر به انجام فعالیت‌های خود نیستند و این خود بای نگران در مناطق شرقی و جنوب افغانستان دارد. از سوی دیگر با توجه به حضور ایالات متحده در افغانستان ما شاهد آن هستیم که سازمان‌های غیردولتی و حتی دولتی مانند: آرانس نوپ، بین‌المللی آمریکا و آژانس توسعه بین‌المللی کانادا نیز در بازسازی و ساخت اماکن دولتی در بسیاری از مناطق جنوب و شرق حضور فعال نداشتند. نکته مهم در این وضعیت این است که مناطق روستایی بیشتر از سایر مناطق شهری در خطر تهدیدات تروریستی طالبان قرار داشت و این به‌اعتمادی به دولت نیز به‌طور آهسته تأثیر منفی را بر روی جمعیت چنین مناطقی به‌وجود آورده است. بی‌تردید عملیات ضد شورش در افغانستان بیشتر در مناطق روستایی انجام می‌گرفت و مناطق شهری مانند کابل با خطر کمتری روبه‌رو بودند. این موضوع بدان معناست که باید راهکارهای مناسب امنیتی برای مبارزه با شورش در چنین جوامعی اتخاذ شود.

۳. یکی دیگر از اقدامات مهم آمریکا و ائتلاف غرب از بین بردن پایگاه پشتیبانی از شورشیان در کشور پاکستان است. لیکن عدم توجه به چنین موضوع مهمی باعث طولانی شدت مدت بازسازی در قسمت‌های مختلف افغانستان به‌ویژه مناطق مرزی مشترک بین این کشور و پاکستان می‌شود. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته؛ بسیاری از درگیری‌ها و

کشمکش‌های داخلی از سال ۱۹۷۹ از سوی پایگاه‌های مخفی پاکستان و به کمک افراد و نیروهای وابسته به حکومت این کشور مانند ارتش مرزی و اداره اطلاعات خدمات بین‌المللی (ISI) انجام گرفته است. طالبان و دیگر گروه‌های شورشی از مناطق تحت کنترل ارتش پاکستان مانند مناطق قبیله‌ای فدرال و استان‌های بلوچ حمایت و پشتیبانی می‌شوند. این گروه تروریستی به‌طور منظم و مستمر از کشور همسایه تجهیزات و مهمات نظامی دریافت می‌کند. بسیاری از بمب‌گذاری‌های که به شیوه عملیات انتحاری صورت گرفته از طریق اردوگاه‌های افغان در پاکستان سازمان‌دهی شده‌اند. این بمب‌ها از طریق دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز؛ اغلب از طریق مرز افغانستان، "پکتیو" قاچاق شده و سپس در خانه‌های امن در استان قندهار مونتاژ و بسته‌بندی می‌شوند. طالبان حتی توانایی داشتند به‌طور علنی از بزرگراه شماره ۴ ملات قندهار تجهیزات و مهمات موردنیاز خود را به مرز مشترک افغانستان و پاکستان منتقل کنند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که بیشتر رهبران گروه‌های شورشی مانند "طالبان"، شبکه القاعده و دیگر گروه‌های رادیکال اسلامی در پاکستان امکانات و پشتیبانی موردنیاز خود را دریافت می‌کنند.

در داخل پاکستان نیز اسناد رسمی وجود دارد که بسیاری از رهبران و مدیران دولتی از طریق همکاری با سازمان اداره اطلاعات خدمات بین‌المللی (ISI) در کمک به گروه‌های شورشی مشارکت مستقیم و غیرمستقیم داشته‌اند.

حل این مشکل نیازمند یک عمل سیاسی هوشمندانه و بی‌پایانیک منطقه‌ای است. لیکن باید از طریق مذاکرات سیاسی دولت پاکستان را وادار به انزاد کردن پایگاه شورشیان در خاک خود کنند. این فرایند با افزایش حوادث تروریستی و شورش‌های سوی جنگجویان و گروه‌های ستیزه‌جو در کشور پاکستان ارتباط دارد. اعضای این گروه با اقدامات تروریستی توانستند رهبر حزب اپریشیون پاکستان را به قتل برسانند و "بی‌نزیرو" را ترور کنند و حملات سنگینی را علیه ارتش پاکستان صورت دهند. این گروه‌ها شامل داعش، القاعده و دیگر گروه‌های جهادی و تکفیری می‌شوند. ستیزه جویان علاوه بر مناطق مرزی پاکستان و افغانستان با تعداد بسیاری از حوادث تروریستی بین‌المللی و توطئه‌های گوناگون از جمله حملات ژانویه ۲۰۰۵ به سیستم حمل‌ونقل لندن، انفجار سال ۲۰۰۶ روه روی آژانس هواپیمایی تجاری هواپیماهای بدون سرنشین آتلانتیک، طرح‌های فلول در سال ۲۰۰۷ در آلمان و دانمارک و همچنین بازداشت تروریست‌ها در کشور اسپانیا در ارتباط هستند. این

گروه‌ها ارتباط سازمان‌یافته بین‌المللی باهدف ایجاد محیط امن با یکدیگر دارند. این تحولات نشان داده که شورشیان در افغانستان به همسایه جنوبی گسترش‌یافته و این خود به‌عنوان یک معضل بین‌المللی بسیار مهم در سیاست منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مطرح است.

اکثر سیاست‌گذاران، ازجمله افرادی که در کاخ سفید و در کنگره هستند؛ بارها و بارها تأثیرگذاری و اهمیت گروه‌های مذهبی و بومی در عملیات ضد شورش را نادیده گرفته‌اند و یا در صورت بررسی، آن‌ها را کم‌اهمیت متصور می‌شوند. عملیات ضد شورش نه‌تنها نیازمند امکانات و تجهیزات ایالت متحده است، علاوه بر این‌ها برای انجام یک جنگ غیر کلاسیک و نامتعارف باید از همه توانایی‌های موجود در ظرفیت دولت‌های بومی و نیروهای امنیتی استفاده کرد. نیروهای نظامی و غیرنظامی مستقر در خاک افغانستان باید بر توانایی‌های بومی و ظرفیت‌های دانشی این کشور برای مقابله با شورش و گروه‌های تروریستی متمرکز و همسو شوند. در بعضی موارد، انجام عملیات نظامی ازجمله عملیات هوایی و تحرک هوایی از طریق تجهیزات نظامیان اسراف غیرممکن است.

توصیه‌های فصل هفت شامل هشت بخش عملیاتی است که شامل بر:

۱. پلیس،
۲. امنیت مرزی
۳. مبارزه با مناطق بحرانی،
۴. حمله هوایی و حمل و نقل هوایی
۵. اطلاعات،
۶. فرماندهی و کنترل،
۷. عملیات اطلاعاتی،
۸. بسیج غیرنظامیان،

در بعضی از مناطق مانند فضاهای داخلی، نیروهای ایالات متحده نباید به شیوه‌های نظامی وارد عمل شوند و این اقدام نیازمند هماهنگی نزدیک منطقه‌ای، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی است. درواقع موفقیت هر کمپین و عملیات ضد شورش در بلندمدت ترکیبی از اقدامات نظامی، سیاسی، اقتصادی و سایر موارد دیگر خواهد بود.